

حوزه عمومی ناقض هنجارهای مرسوم باشد، در حقیقت، منافع کلیه افراد جامعه را پایمال کرده و از این رو امکان چشم‌پوشی از این تخلف و بخشش خاطی وجود ندارد - مگر به طور استثنای سوی یک مقام عمومی که چنین اختیاری را مطابق قانون به نیابت از جامعه عهده‌دار باشد -، مانند اعمال تروریستی یا ایجاد رعب و وحشت در جامعه. از این‌رو، محرومیت‌های تخلف از هنجارهای حقوقی حوزه عمومی که موجب تضییع حقوق عامه می‌شود می‌تواند گسترده‌تر و شدیدتر از حوزه خصوصی باشد و این مقتضای عدالت و لازمه احیای حقوق عمومی افراد جامعه است. لذا ضمانت اجرای متفاوتی برای هنجارهای حقوق خصوصی و عمومی وجود دارد زیرا در حوزه عمومی، علاوه بر منافع فرد، منافع جامعه نیز موضوعیت دارد و در جایی که با هنجارهای حقوق خصوصی تقابل می‌یابند، بر آن‌ها حاکمیت دارند. لذا قصد مقنن از بیان «حقوق عامه» در بند دوم اصل ۱۵۶ را می‌توان پاسداری عملی مقام قضایی از حقوق عمومی افراد جامعه تلقی نمود.

**۳-۴** مسأله دیگری که بر نزدیکی دو مفهوم حقوق عامه و حقوق عمومی صحه می‌گذارد، فلسفه وجودی قوه قضاییه است. همان‌طور که از کلام قانون‌گذار اساسی برمی‌آید، مقنن در اصل ۱۵۶ قصد نموده تا شمای کلی از فلسفه

**۳-۲** «قانون‌گذار قانون اساسی از بیان مفهوم «عامه» قصد نموده تا حقوقی را برشمرد که مربوط به عموم افراد اعم از حق‌های فردی باشد. حقوقی که در عرصه عمومی روابط جامعه مطرح می‌شود و منافع عموم افراد در آن دخیل است و می‌تواند مشتمل بر حقوقی باشد که در قلمرو مفهوم حقوق ملت یا حقوق بشر قرار می‌گیرد.»<sup>۶۶</sup>

**۳-۳** «مفهوم عامه می‌تواند در بردارنده حقوق شهروندی در گستره مفاهیم حقوق ملت و حقوق بشر جای گیرد و اشتراکات مصداقی آن ممکن است مفهوم حقوق عامه را به حقوق ملت یا حقوق بشر نزدیک نماید.»<sup>۶۶</sup>

**۱-۱** در صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، بحث خاصی درخصوص مفهوم احیای حقوق عامه و به طور کلی، بند ۲ اصل ۱۵۶ صورت نگرفته است. اما به نظر می‌رسد برابری معنایی حقوق عامه و حقوق عمومی در مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی نیز منعکس شده است. آقای مؤمن بیان می‌دارد که: «احیا به معنای اینکه حقوق عمومی مردم را زنده بکند و برجا بشود و این در صورتی می‌شود که اگر یک مسأله‌ای مربوط به حقوق عامه هست و به عامه مردم هست دادگاه است که رسیدگی می‌کند و نظر نهایی را می‌دهد...». همان‌طور که از صراحت کلام ایشان برمی‌آید، مفهوم حقوق عامه و حقوق عمومی یکسان فرض شده است.

**۲-۲** دلیل دیگر در فهم مفهوم «حقوق عمومی» از حقوق عامه، متن مصرح قانون اساسی است. مطابق اصل ۶۱ قانون اساسی که تبیین‌کننده جایگاه اصلی قوه قضاییه در نظام حقوقی کشورمان است، «اعمال قوه قضاییه به وسیله دادگاه‌های دادگستری است که باید طبق موازین اسلامی تشکیل شود و به حل و فصل دعاوی و حفظ حقوق عمومی و گسترش و اجرای عدالت و اقامه حدود الهی بپردازد». همچنین در اصل بیست و چهارم مقرر شده است که «نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آنکه مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد. تفصیل آن را قانون معین می‌کند». تصریح حقوق عمومی در قانون اساسی نشانگر توجه خاص قانون‌گذار اساسی به مقوله حقوق عمومی افراد است و تقریر عبارت «احیای حقوق عامه» به همراه عبارت «گسترش عدل و آزادی‌های مشروع» در بند دوم اصل ۱۵۶ که مشابه تقریر «حفظ حقوق عمومی» در کنار «گسترش و اجرای عدالت» در اصل ۶۱ می‌باشد، بیان‌گر نزدیکی معنای حقوق عامه به حقوق عمومی است.

**۳-۳** بر حوزه عمومی که بستر منافع عمومی و حقوق عامه است، هنجارهای حقوق عمومی حاکمیت دارد که درصدد حمایت از منفعت عمومی جامعه می‌باشد. لذا کسی که در

وجودی قوه قضاییه و تکالیف آن ترسیم نماید. اساساً می‌دانیم که قوه قضاییه پاسدار حقوقی است که قانون به رسمیت شناخته است و علاوه بر نظارت بر اعمال دولتی، از حقوق کلیه اشخاص صیانت می‌نماید. هنگامی که قانون‌گذار به تقریر اصل ۱۵۶ اقدام نموده است، مسلماً قصد نموده تا این تکلیف اخیرالذکر را به خوبی تعیین نماید. می‌دانیم که پاسداری از حقوق اشخاص در دو حوزه حقوق عمومی و حقوق خصوصی است و نیز می‌دانیم که تضییع حقوق عمومی به دلیل پایمال شدن منافع کلیه افراد جامعه، نمی‌تواند شاکی خصوصی داشته باشد بلکه در حقیقت کلیه افراد جامعه به نوعی شاکی در قضیه می‌باشند - و نیازمند طرح شکایت از سوی یک مدعی العموم است - لذا تکالیف قوه قضاییه در این دو حوزه حقوق را می‌بایست در دو بند جداگانه ذکر نمود که گاهی اقتضای دادرسی و آیین رسیدگی قضایی متفاوتی دارد. از این‌رو قانون‌گذار قانون اساسی در اصل ۱۵۶، تلاش نموده تا در ابتدا مسأله تکلیف قوه قضاییه را در رسیدگی به دعای تضییع حقوق اشخاص که مستلزم طرح شکایت می‌باشد را تبیین نموده و مقرر دارد که «۱- رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیات، شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات و اخذ تصمیم و اقدام لازم در آن قسمت از امور حسبیه، که قانون معین می‌کند...» و سپس در بند دوم به تعیین تکلیف قوه قضاییه در رسیدگی به دعای تضییع حقوق عمومی بپردازد که نیازمند طرح شکایت از سوی مدعی‌العموم است، از این‌رو در بند دوم بیان می‌دارد: «۲- احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع». بنابراین می‌توان دریافت نمود که حقوق عامه مدنظر مقنن، همان حقوق عمومی است که دعاوی آن مستلزم آیین دادرسی خاص می‌باشد و مسلماً مجازات‌های تخلفات تضییع این حقوق نیز متفاوت خواهد بود. لذا حقوقی که به موجب بند دوم اصل ۱۵۶ می‌بایست از سوی قوه قضاییه تضمین گردد، حقوقی است که تضییع آن موجب تضییع منافع کلیه